

ابن سینا و هراس از مرگ تصحیح یک اشتباه درباره تکنگاری منسوب به ابن سینا حامد آرزائی^۱

چکیده

مسئله هراس از مرگ یا اضطراب مرگ یکی از مسائلی است که از یک سو در تاریخ فلسفه و از سوی دیگر، در تاریخ و اخلاق پزشکی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. از دوران گذشته علاوه بر آثار ادبی و نگاه‌های اسطوره‌ای منعکس شده در داستان‌ها و نمایشنامه‌ها و متون عرفانی و گنوسی، فیلسوفان نیز نتایج اندیشه‌ورزی خود را در این خصوص در آثار فلسفی منعکس کرده‌اند. در یونان باستان، در کنار اندیشه‌ورزی‌های سقراط و افلاطون، اپیکوری‌ها و رواقی‌ها نیز در فلسفه‌ورزی در زمینه هراس از مرگ سهم به‌سزایی داشته‌اند. در جهان اسلام نیز اندیشمندانی همچون محمد زکریای رازی و ابوعلی مسکویه و ملاصدرا در این باره سخن گفته‌اند. اما در این میان، تنها تکنگاری موجود در زمینه هراس از مرگ که به نحوی تفصیلی بدین موضوع می‌پردازد، منسوب به بوعلی سینا است. از این رساله که در مجموعه رسائل ابن سینا به طبع رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده با نام‌های «الشفاء من خوف الموت و معالجة داء الاغتمام» و «دفع الغم من الموت» یاد شده است. ابن سینا هم فیلسوفی برجسته، هم یکی از بزرگترین پزشکان دوره اسلامی است که شایسته نظرورزی در خصوص این مسئله مرزی میان فلسفه و پزشکی است؛ از این رو، محققان پس از وی و به‌ویژه پژوهشگران معاصر ارجاعات بسیاری به نگاشته او داشته‌اند. با توجه به فراوانی ارجاع محققان معاصر بدین رساله به نام ابن سینا از یکسو، و تردید برخی پژوهشگران در انتساب آن از سوی دیگر، پژوهشی درباره نویسنده رساله صورت گرفت. با بهره‌گیری از پژوهش‌های پیشین و برخی دلایل متن‌شناختی دیگر روشن می‌شود که این رساله در اصل بخشی از کتاب تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق ابوعلی مسکویه است که به اشتباه به ابن سینا نسبت داده شده. این انتساب به دلیل اشتباه ناسخان، به‌سهو یا به‌عمد رخ داده است. پس از بررسی وجوه مختلفی که به این اشتباه انجامیده است، انتساب این رساله به ابن سینا نفی و صحت انتسابش به مسکویه اثبات می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ابن سینا، هراس از مرگ، ابوعلی مسکویه، دفع الغم من الموت، الشفاء من خوف الموت و معالجة

داء الاغتمام، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق

بیان مسئله

موضوع مرگ و مباحث پیرامونی آن از مباحثی است که از زمان‌های دورودراز ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. هرچند در نگرش‌های اسطوره‌ای و ادبیات شعری و داستانی حجم بیشتری از مطالب را دربارهٔ مرگ می‌یابیم، اما در این میان، فلاسفه در اندیشیدن عمیق به این دغدغهٔ همیشگی بشریت، سهمی بسزا دارند. سخن از مرگ، مباحث بسیاری در پی خود دارد: چیستی مرگ، ارتباط مرگ و زندگی، نقش اندیشیدن به مرگ در معناداری زندگی، مرگ به‌مثابهٔ پایان هستی انسان، مرگ به‌مثابهٔ مرحله‌ای از زندگی روح انسان، فرجام انسان‌های خوب و بد پس از مرگ و بالأخره موضوع مورد نظر ما هراس از مرگ. این موضوعات تنها بخشی از مهم‌ترین مباحث فلسفی پیرامون مرگ را شکل می‌دهند. در میان موضوعات یادشده، برخی جنبهٔ فلسفی بیشتری دارند و برخی نیز در کشاکش نظریه‌های دینی در مباحث فلسفهٔ دین و کلام جدید جایگاهی برای خود یافته‌اند. در این میان، مباحثی به مرزهای مشترک میان تاریخ فلسفه و تاریخ پزشکی وارد شده که هم از نظر فیلسوفان و هم از نظر پزشکان بررسی شده است و هراس از مرگ یکی از همین مباحث است. رویارویی با ترس از مرگ، از دیرباز در اندیشهٔ فیلسوفان نمایان شده و حتی می‌توان گفت کمابیش با آغاز فلسفه گره خورده است. بنا به گزارش افلاطون در رساله فایدون (ر.ک. افلاطون، ۱۹۹۴م؛ همو، ۲۰۰۱م)، زمانی که سقراط جام زهرآگین شوکران را سر کشید، در واپسین لحظات زندگی‌اش با شاگردانش دربارهٔ مواجههٔ فیلسوف راستین با مرگ و چرایی هراس مردمان از مرگ سخن می‌گفت (افلاطون، ۱۳۶۶، ص ۴۸۲ به بعد). شاید همین موضوع باعث شده باشد که از همان زمان فیلسوفان در میان اندیشه‌ورزی‌های خود جایی را هم به این موضوع اختصاص داده و اندیشمندانی همچون اپیکور (Stephens, 2014)، لوکرتیوس (Carus, 1994)، سنکا (Motto, 1955; Nietmann, 1966; Russell Noyes Jr, 1973)، اپیکتوس (موقر، ۱۳۳۲) و مارکوس اورلیوس (May, 2009, p.168-180) دربارهٔ هراس انسان از مرگ مطالبی نگاشته‌اند. از آن پس نیز همواره فیلسوفان نیم‌نگاهی به این موضوع داشته‌اند. اسپینوزا و شوپنهاور و نیچه، هگل و سارتر و هایدگر و اوانامونو و راسل و نیگل تنها برخی از نام‌هایی هستند که در پژوهش‌های متأخران دربارهٔ هراس از مرگ از آنها یاد می‌شود (DeGrazia, 2017; Edwards, 1967; Luper, 2019). در جهان اسلام برخی از دانشمندان بزرگ همچون رازی و مسکویه و ابن‌سینا و ملاصدرا در این زمینه آثاری پدید آورده‌اند. در میان ایشان رازی و ابن‌سینا خود از شخصیت‌هایی به شمار می‌روند که هم در فلسفه و هم در پزشکی جایگاهی مهم دارند؛ از این رو، پرداختن آنان به مسئله‌ای در مرز میان پزشکی

و فلسفه نه تنها دور از ذهن نیست، بلکه این دو، دربارهٔ چندین مسئله مرزی فلسفه و پزشکی و از جمله تحلیل فیزیولوژیکی از مرگ نیز مطالبی نگاشته‌اند (ابن سینا، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص ۳۲؛ رازی، ۱۴۰۸هـ).

ابن سینا و هراس از مرگ

بوعلی سینا در آثار متعدّد خود به مسئلهٔ مرگ پرداخته است. وی در آثار فلسفی خود بیشتر به مباحث بقای نفس پس از مرگ پرداخته (کبری، ۱۳۸۱؛ رحیم پور و زارع، ۱۳۹۲؛ عارفی، ۱۳۸۴) و در آثار پزشکی نیز تحلیلی فیزیولوژیک از مرگ طبیعی بیان کرده است (Irannejad, 2016؛ شه‌گلی، ۱۳۹۱). با این حال در میان آثار منسوب به بوعلی سینا رساله‌ای دیده می‌شود که دقیقاً با موضوع هراس از مرگ ارتباط یافته است. عنوان این رساله *الشفاء من خوف الموت ومعالجته داء الاغتمام خوانده شده و با نام‌های دیگری همچون دفع الغم من الموت، یا دفع الهم عند وقوع الموت نیز از آن یاد شده است* (قنواتی، ۱۹۵۰م؛ مهدوی، ۱۳۳۳؛ نجم‌آبادی، ۱۳۵۲).

در این رساله عواملی برای ترس آدمی از مرگ ذکر شده و در ادامه با طبقه‌بندی آنها کوششی در بیان راه‌حل‌های علاج‌گونه برای هر دسته از افراد ترسنده از مرگ انجام پذیرفته است. این نگاشته علل و عوامل اصلی ایجاد هراس از مرگ را این‌گونه معرفی می‌کند:

۱. ناآگاهی از حقیقت مرگ،
 ۲. ناآگاهی از مسیر انسان پس از مرگ،
 ۳. نگرانی از اینکه پس از مرگ بدن متلاشی و نابود شود، درحالی که دنیا باقی است،
 ۴. نگرانی از درد جان‌دادن که با تمامی تجربه‌های دردناک قبلی متفاوت است،
 ۵. ترس از عقوبت و کیفر اعمال،
 ۶. ناآگاهی نسبت به وقایع و پیشامدهای پس از مرگ،
 ۷. جدایی از نعمت‌ها و از دست‌دادن قدرت و موقعیت‌های اجتماعی (ابن سینا، ۱۳۷۳، ص ۳۴۱).
- سپس به راه‌حلهایی برای رفع این عوامل می‌پردازد. عمده راه‌حل‌های بیان‌شده در این رساله براساس اصل آگاهی‌بخشی به فردی است که به یکی از این گمان‌های نادرست دچار شده است. تصحیح مفهوم‌های نادرست و به تعبیری بازسازی شبکه باور ترسنده از مرگ یگانه راهی است که در این رساله بدان تأکید شده و نویسندهٔ رساله از وجوه گوناگون در صدد است تا تصویر درست فلسفی را به جای این تصاویر نادرست بنشانند (ابن سینا، ۱۳۷۳، ص ۳۴۲-۳۴۸).

بررسی انتساب رساله به ابن سینا

این رساله در مجموعه رسائل ابن سینا منتشر شده و ترجمه‌هایی از آن به زبان‌های فارسی و روسی نیز به نام ابن سینا به چاپ رسیده است. همین امر باعث شده است که انتساب این رساله به ابن سینا تلقی به قبول گردد و چندین پژوهشگر براساس آن درباره دیدگاه ابن سینا در خصوص مسئله هراس از مرگ مقالات و آثاری را پدید آورند. به طور نمونه، سلیمانی در مقاله‌ای با عنوان *ترس از مرگ با تکیه بر دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا*، با استناد به این رساله و بدون هیچ بررسی‌ای درباره صحت انتساب آن صفحاتی را به گزارش دیدگاه بوعلی سینا در مورد هراس از مرگ اختصاص داده است (سلیمانی، ۱۳۸۷).

دیانی نیز با سخن گفتن از *شیوه‌های معالجه مرگ‌هراسی در فلسفه اسلامی با تأکید بر آرای ابن سینا*، این رساله را مبنای پژوهش خود قرار داده است (دیانی، ۱۳۹۶). امید، در مقاله *تخفیف و تسکین هراس از مرگ*، بخشی را با ابتننا بر همین رساله، به دیدگاه بوعلی درباره مرگ‌هراسی اختصاص داده است (امید، ۱۳۹۲) و آزادی و کلانتر در مقاله *اضطراب مرگ از دیدگاه ابن سینا و الیس براساس همین رساله به مقایسه دیدگاه بوعلی با الیس پرداخته‌اند (آزادی و کلانتر کوشه، ۱۳۹۵)*. حقیقی و همکاران در مقاله *جستجوی معنای زندگی در اندیشه ابن سینا و ابن عربی درباره مرگ و معاد*، به طرح دیدگاه ابن سینا براساس این رساله پرداخته‌اند (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۷). شایان فر و مقدم در مقاله *تبیین وجودی مرگ از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا (شایان فر و مقدم للکلو، ۱۳۹۴)* و فرامرز قراملکی و همتی در مقاله *چیستی و انواع مرگ از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا (فرامرز قراملکی و همتی، ۱۳۸۷)*، هر چند بحث خود را در مسیری دیگر پیش برده‌اند، لیکن در مواردی به این رساله استناد کرده‌اند. رحیمیان در فصل سوم از کتاب *چکیده عقل ناب*، ضمن ترجمه این رساله، که از ابن سینا دانسته شده، توضیحاتی درباره محتوای آن داده است (رحیمیان، ۱۳۸۸)، در جای دیگر نیز ترجمه و توضیحات کمپانی زارع از این رساله که *خوف الموت خوانده شده*، آمده است (کمپانی زارع و پنج‌تنی، ۱۳۹۲). حسینی طهرانی نیز در کتاب *معادشناسی این رساله را از بوعلی سینا قلمداد کرده و مطالبی از آن را بیان کرده است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷ هـ ج ۱، ص ۶۶-۶۵)*. در میان گذشتگان نیز نظام‌الدین گیلانی در رساله *منافع الموت* این رساله را از ابن سینا دانسته و اثر خود را ناظر بدان نگاشته است (گیلانی، ۱۳۸۶).

در پی این نگارش‌ها و غالباً با استناد به آنها سلمان‌پور و همکارانش (سلمان‌پور و دیگران، ۱۳۹۱) و عیسی‌زادگان و همکارانش (عیسی‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۱) در زمینه روان‌شناسی، منفردنژاد و حیدری (حاجی منفردنژاد و حیدری، ۱۳۹۳) و آل‌بویه و گودرزی (آل‌بویه و گودرزی، ۱۳۹۶) در پزشکی، علایی و حسن‌زاده (علایی رحمانی و حسن‌زاده، ۱۳۹۲) و منصف و همکاران (منصف و دیگران، ۱۳۹۵) در مطالعات

اسلامی، کاشفی/کاشفی، ۱۳۹۰)، حکیمی/حکیمی، ۱۳۷۷)، یثربی/یثربی، ۱۳۸۰)، صادقی/صادقی، ۱۳۸۷)، اسعدی/اسعدی، ۱۳۹۵)، شجاری/شجاری، ۱۳۹۰) و غلامی/غلامی، ۱۳۹۶) در مقاله‌هایشان دربارهٔ مرگ و معاد، یحیی محمد/محمد، ۱۴۲۵هـ)، حسینی/حسینی، ۱۴۱۴هـ) و بندر/بندر، ۱۴۲۹هـ) در مطالعات فلسفی - کلامی‌شان و بسیاری از پژوهشگران دیگر که ذکر فهرستی از نام‌های ایشان به طول می‌انجامد، انتساب این رساله به بوعلی سینا را مسلم گرفته و بر اساس آن دربارهٔ اندیشهٔ ابن سینا در خصوص هراس از مرگ قلم‌فرسایی کرده‌اند. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا انتساب این رساله به بوعلی سینا درست است. برای پاسخگویی به این پرسش در ادامه ضمن سه عنوان، مطالبی آورده شده است.

۱. تشکیکاتی محتوایی در انتساب رساله *دفع النغم من الموت* به بوعلی سینا

با مطالعه محتوای این رساله چند نکته به نظر می‌رسد: یکی اینکه در این رساله طبقه‌بندی‌ای از اصناف ترسندگان از مرگ بیان شده است. این طبقه‌بندی در ابتدا هفت عامل برای ترس از مرگ را لحاظ می‌کند/ابن سینا، ۱۳۷۳، ص ۳۴) و سپس با فروکاستن آنها به پنج دسته راه‌حلهایی برای هر دسته می‌آورد. این دسته‌بندی از ترسندگان از مرگ، و همچنین پاسخ‌های یادشده از مشکلات منطقی رنج می‌برد. تداخل موجود در پاسخ‌ها به ذهن متبادر می‌سازد که ظاهراً بیش از پاسخگویی دقیق به پرسش‌ها شاهد ارائه ادبیاتی در این زمینه براساس متون پیشینی هستیم. این رویکرد به‌ویژه در پاسخ به پرسش دوم دیده می‌شود که به‌جای بیان پاسخی درخور برای رفع هراس از مرگ در این حالت، به ذکر اقوال و احوال فیلسوفان دنیاگریز می‌پردازد و در اهمیت جست‌وجوی علم سخن می‌گوید. این سبک نگارشی به نحوی آشکار با نوع نگارش‌های ابن سینا تفاوت دارد. بوعلی سینا در آثار خود در بیان مطالب طبقه‌بندی‌شده و استوار شهره است. تا جایی که دسته‌بندی‌های متعدد منطقی وی در آثار گرانسنگی چون *الشفاء* به گونه‌ای تحلیل فلسفی شباهت یافته که در سنت آموزش فلسفه به نام ابن سینا شناخته می‌شود (Azadpur, 2020). بیان مطالبی دربارهٔ موضوع و عدم خروج از بحث در استطرادهای طولانی و بدون سبب، یکی دیگر از وجوه نگارشی ابن سینا است که هرچند در *الإشارات والتنبیها* ظهور بیشتری یافته، لیکن در تمام آثار وی مشاهده می‌شود. در مجموع می‌توان گفت که سبک نگارشی این رساله با نوع نگارش‌های بوعلی سینا ناهمگون است.

نکتهٔ دیگر اینکه در این رساله در جست‌وجوی پاسخی در برابر هراسندگان از مرگ، به‌نحوی واضح گرایش‌های مختلف فلسفهٔ باستان دستاویز قرار گرفته‌اند. در جایی گرایش افلاطونی به‌وضوح

دیده می‌شود و در جای دیگر مکاتب فلسفی مانند کلیون و رواقیون و اپیکوری‌ها و غیره در عبارات رساله نمایان می‌شود. بازگویی این گفته افلاطونی که در سنت نوافلاطونی متأخر رواج یافته نیز شایان توجه است: «ولذلك وصی أفلاطن الحكيم (روح الله رمسه) طالب الحكمة بأن قال: مُت بالإرادة تحيا بالطبيعة». در پی این جمله عباراتی آورده شده که در فضایی نوافلاطونی و همگون با تصوّف تفسیر می‌شود. چنین گرایشی در آثار صحیح الانتساب بوعلی سینا یافت نمی‌شود. معروف است که بوعلی سینا در آثار خودش به افلاطون بی‌مهر است و توجه چندانی به وی نشان نمی‌دهد. نگرش‌های رواقی و کلیبی و اپیکوری نیز در اندیشه‌های بوعلی سینا به نحوی تمایز یافته نمود دارد. بدین معنا که بوعلی این گرایش‌ها را می‌شناسد و در مقام سخن گفتن از آنها با احتیاط و موشکافانه برخورد می‌کند و چنین نیست که مانند این رساله آنها را بدون توجه به خاستگاه‌های متفاوتشان در هم آمیزد. خلط میان آرای مکاتب فلسفی یونانی که در عبارات این رساله نمایان است و نپرداختن به تمییز و تحلیل دیدگاه ایشان و پذیرش یکی و نقد دیگری به کلی با روش فلسفی بوعلی و نگارش‌های وی ناسازگار و ناهمگون است.

در مجموع، با نظر به تداخل غیرنظام‌مند پاسخ‌ها و دستاویز قراردادن نظریات ناهمگون برای فرار از هراس از مرگ می‌توان گفت سطح اندیشه بیان‌شده در این رساله با اندیشه فلسفی شناخته‌شده از بوعلی سینا نمی‌خواند. از طرفی پذیرفتن دیدگاه‌های افلاطونی و اپیکوری که بوعلی سینا با آنها ناهمدل است، آن هم با عباراتی پرطمطراق، انتساب این رساله به بوعلی سینا را بعید می‌گرداند.

۲. عدم انتساب رساله به بوعلی سینا با بررسی متن شناختی

در میان مقالاتی که براساس این رساله، از دیدگاه بوعلی درباره ترس از مرگ سخن گفته‌اند، برخی نیم‌نگاهی نیز به دیدگاه خواجه نصیر طوسی در کتاب *اخلاق ناصری* (طوسی، ۱۴۰۰ هـ) داشته‌اند. ظاهراً این تشابه میان رساله بوعلی سینا و بخش ترس از مرگ *اخلاق ناصری* (طوسی، ۱۴۰۰ هـ ص ۱۸۷-۱۹۳) بیشتر نیز شناخته شده بوده است. در رساله *منافع الموت* نظام‌الدین اثر احمد گیلانی که در نیمه سده یازدهم هجری تألیف شده، سبب نگارش اثر اینگونه بیان شده که روزی در دربار عبدالله قطبشاه سخن از هراس از مرگ رفت و در پی آن، نامی از رساله ابن‌سینا آورده شد، در روز دیگر رساله بوعلی را به همراه متن فارسی بخش مرتبط در *اخلاق ناصری* طوسی آوردند و در حضور پادشاه خواندند. وی در مقدمه اثرش می‌نگارد که این دو منبع، دستمایه اصلی تدوین رساله *منافع الموت* بوده‌اند (گیلانی و دیگران، ۱۳۸۶).

از اینجا به نکته‌ای رهنمون می‌شوم که منبع اصلی انتساب نادرست رساله به بوعلی را آشکار می‌کند. خواجه طوسی به‌صراحت در مقدمهٔ اخلاق ناصری بیان می‌کند که کتابش دربارهٔ اقسام سه‌گانهٔ حکمت عملی یعنی اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مدن است و بخش نخست یعنی اخلاق، ترجمهٔ فارسی کتاب تهذیب الأخلاق وطهارة الأعراق ابوعلی مسکویه است (طوسی، ۱۴۰۰هـ، ص ۳۵-۳۶). از آن پس پژوهشگران اخلاق دورهٔ اسلامی می‌دانند که بخش اخلاق در این اثر خواجه، ترجمهٔ آزاد فارسی او از کتاب مسکویه دربارهٔ اخلاق فلسفی است و خواجه نه‌تنها در مقدمه بدان تصریح کرده بلکه گاهی در عبارات کتاب این جمله را می‌افزاید که «استاد ابوعلی می‌گوید»، تا بدین‌صورت، نویسندهٔ اصلی مشخص باشد. رواج کتاب *اخلاق ناصری* سبب شد که اندیشه‌های مسکویه در اخلاق فلسفی که به تصریح خود وی برگرفته از پیشینیان یونانی و به‌ویژه ارسطو است، در جهان اسلام گسترش یابد. هرچند در جهان فارسی زبان نگارش خواجه رواج بیشتری داشته، شگفت است که هیمنه اندیشه‌ای این اثر سبب شده تا دو ترجمه عربی نیز از آن فراهم آید (Lameer, 2015, جهانبخش، ۱۳۹۷)؛ بدین معنا که، اثری که خواجه خود از عربی به فارسی برگردان کرده، دوباره به عربی ترجمه شده است. به‌هرحال با مشاهدهٔ متن خواجه نصیر دربارهٔ علاج خوف مرگ و مقایسهٔ آن با بخش *خوف الموت* در *تهذیب الأخلاق* مسکویه درمی‌یابیم که این بخش نیز مانند دیگر بخش‌ها ترجمهٔ آزاد متن *تهذیب مسکویه* است که تنها گاه عباراتی کوتاه بدان افزوده شده است.

۳. تهذیب الأخلاق مسکویه به‌مثابهٔ متن اصلی رساله منسوب به بوعلی سینا

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه (د. ۴۲۱هـ)، دانشمند و مورخ ایرانی، که در نیمهٔ نخست سدهٔ سوم در ری زاده شد و در اصفهان درگذشت. وی که مدتی به علوم طبیعی همچون کیمیا می‌پرداخت، در نهایت آثار مهمی در زمینهٔ تاریخ و فلسفه و به‌ویژه اخلاق فلسفی از خود بر جای گذاشت. وی که تمایلات به وضوح ارسطویی خود را پنهان نمی‌کرد، در فلسفه، مشی‌ای اسکندرانی داشت و بیش از اینکه به نظریه‌پردازی فلسفه بپردازد، تفسیر و ترویج اندیشه‌های فلسفی ارسطویی - هلنستی را دنبال می‌کرد. این گرایش اندیشه‌ای که علاوه بر مسیحیان بغدادی چون یحیی بن عدی و ابوالفرج بن طیب، نزد مسلمانان عقل‌گرا رواج یافته بود و در ایران و به‌ویژه در شیراز و اصفهان با شخصیت‌هایی همچون ابوالخیر خَمَّار و مسکویه و دیلمی و کرمانی، و در عراق و به‌ویژه بغداد با افرادی چون حسن بن سهل بن سَمَح و محمد بن هیثم دنبال می‌شد با تأکید بر شیوه‌ای تقلیدگونه

نسبت به اندیشهٔ ارسطویی با بازاندیشی و دیدگاه‌های نوین در فلسفه خیلی میانه‌ای نداشت. بوعلی سینا که از معاصران مسکویه و دیگر نامبردگان به شمار می‌رفت، نسبت به این نوع اندیشه، رویکردی انتقادآمیز داشت و البته خود به‌عنوان یک مفسر طراز اول ارسطویی فهم اینان را از ارسطو ناتمام و ناقص می‌دانست و در میان ایشان ابوالخیر خمار و ابن‌سمح را در فهم ارسطو ترجیح می‌داد و نسبت به گرایش فلسفی دیگران و از جمله ابوالفرج بن طیب و مسکویه منتقد بود/ابن‌سینا، ۱۳۷۱، ص ۷۴، ۱۲). در میان رسائل شیخ، نامه‌نگاری‌های فلسفی میان مسکویه و او دیده می‌شود/ابن‌سینا، ۱۹۵۳م، ص ۶۸-۷۰). همچنین بوعلی در *المباحثات* جایی که از رویکرد تقلیدگونه ابوالقاسم کرمانی نسبت به ارسطو به ستوه آمده است نام مسکویه را نیز در زمره ارسطویان مقلدی که روش عمیق فلسفی را پی نگرفته‌اند، یاد می‌کند/ابن‌سینا، ۱۳۷۱، ص ۷۴). باری، این دو معاصران اهل فلسفه‌ای بودند که بی‌شک یکدیگر را می‌شناخته‌اند و از آنجا که مسکویه در اصفهان می‌زیسته و وفاتش به سال ۴۲۱هـ نقل شده و بوعلی در حدود سال ۴۱۵هـ به اصفهان هجرت می‌کند، به احتمال دیدارهایی داشته بوده‌اند.

با مقایسهٔ رسالهٔ *دفع الغم من الموت* منسوب به ابن‌سینا/ابن‌سینا، ۱۳۷۳، ص ۳۳۹-۳۴۶) و فصل خوف الموت *تهذیب الأخلاق* (مسکویه، ۲۰۱۱م، ص ۴۳۵-۴۳۲) به وضوح عیان می‌شود که این دو در واقع یک متن هستند. تشابه عبارات تا حدی است که می‌توان یکی را نسخهٔ بدل دیگری دانست و در تصحیح متن از آن استفاده کرد. تفاوت فقط در چند کلمه‌ای است که در آنها ناسخ ارجاعات درون‌متنی تهذیب را حذف کرده است. حال مسئله این است که این تشابه از کجا سرچشمه گرفته و چه اتفاقی در انتساب این رساله به بوعلی افتاده است.

نکته نخست این است که با توجه به آشنایی این دو با هم و اختلاف نظر علمی میان آن دو امکان اینکه یکی مطلبی را از دیگری برداشته و در کتاب یا رساله خود گنجانده باشد، منتفی است. این دو، نه احتیاجی به این کار می‌دیده‌اند و نه تمایلی بدین کار داشته‌اند و نه ضرورتی اقتضا می‌کرده است. این رساله از زمان‌های دور و دراز به بوعلی نسبت داده شده است و دست‌نویس‌های متعددی از آن در میان جنگ‌های خطی به نام بوعلی سینا در دسترس بوده است/مرعشی نجفی، ۱۳۸۲؛ موسوی، ۱۳۷۹؛ دانش‌پژوه، ۱۳۳۹) و حتی ترجمه‌های کهنی نیز از آن وجود دارد/زینالی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۶؛ مهدوی، ۱۳۳۳، ص ۲۷۶؛ با این حال، چنانکه محققانی چون دکتر یحیی مهدوی نیز متذکر شده‌اند، قدیم بودن این یادکرد نیز دلالتی بر صحت انتساب نیست و اثر مشخصاً از فصل هفتم *تهذیب الأخلاق* مسکویه تقطیع شده است/مهدوی، ۱۳۳۳، ص ۲۷۶). این مسئله که دکتر مهدوی در نخستین فهرست جامع آثار بوعلی سینا انتساب اثر را رد کرد و منبع اصلی آن را نمایان ساخت، در میان متن‌پژوهانی که بدین اثر

مراجعه می‌کنند، شناخته شده است و پژوهشگرانی چون کدیور (کدیور، ۱۳۷۱)، زینالی (زینالی، ۱۳۸۹)، آذرشب (آذرشب، ۱۳۸۳)، پایروند (پایروند ثابت، ۱۳۸۸) و کرباسیان و کریمی (گیلانی و دیگران، ۱۳۸۶) نیز به اقتضای مهدوی از منشأ اصلی این رساله اشاره کرده‌اند. یادکرد این نکته شایسته است که دکتر مهدوی هیچ توضیح افزوده‌ای برای ردّ یا اثبات انتساب اثر نمی‌آورد (مهدوی، ۱۳۳۳، ص ۲۷۶).

در مقابل، جورج قنواتی در فهرست مؤلفات ابن سینا صحت انتساب رساله را . که دفع الهمم (العم) عند وقوع الموت می‌نامد - بررسی نمی‌کند و پس از ذکر چند دست‌نویس خطی از این اثر بدین موضوع اشاره می‌کند که از این اثر دو طبع وجود دارد: ۱. به صورت چاپی ضمن مجموعه رسائل بوعلی ویراست مهران؛ ۲. به صورت مندرج در مقالات لبعض مشاهیر العرب پدر لويس شیخو، منتشرشده به سال ۱۹۱۱م، که در آن، اثر به مسکویه نسبت داده شده است (قنواتی، ۱۹۵۰م، ص ۲۷۹-۲۸۰)، البته شیخو پیشتر، در ۱۹۰۸م، رساله را بر اساس دست‌نویسی از پاریس که نام مؤلف بر آن نبود، منتشر کرد (شیخو، ۱۹۰۸م)؛ ولی چنانکه قسطنطین زریق نقل می‌کند، احمد پاشا تیمور توجه شیخو را به چاپ مهران در ۱۸۹۴م در مجموعه رسائل بوعلی که براساس دو دست‌نویس در لیدن و سن‌پترزبورگ فراهم آمده بود، جلب کرد. در این میان شیخو به فصل مرتبط از کتاب مسکویه برخورد و پس از مقایسه بر او مسجّل شد که این دو یکی هستند و به بازنشر مقاله خود با مقایسه با متن دست‌نویسی دیگر از رساله در لیدن و متن تهذیب مسکویه اقدام کرد (مسکویه، ۱۹۶۶م، ص ۲۳۸-۲۳۹).

طرفه اینجا است که مهران زمانی که متن رساله را منتشر کرد به این تشابه آگاهی داشت. مهران برخلاف این پسینیان و البته بدون هیچ توضیح قانع‌کننده‌ای از این سخن می‌گوید که رساله را در اصل بوعلی نگاشته و بعدها در متن تهذیب الأخلاق جای داده شده است (ابن سینا، ۱۸۹۴م). این بیان مهران به چند دلیل نمی‌تواند درست باشد: ۱. ادراج رساله‌ای از فرد دیگری در یک متن بلند، بسیار دور از ذهن است و احتمال تقطیع یک متن و انتساب آن به دیگری بیشتر است؛ ۲. مسکویه خود . حتی بر فرض محال، اگر می‌خواست - نمی‌توانست بدین کار دست زند، به دلیل اینکه بوعلی در آن زمان در اصفهان شخصی شناخته شده بود و تا پس از وفات مسکویه نیز چند سالی در اصفهان می‌زیست؛ ۳. اگر ناسخ بعدی رساله را در متن تهذیب گنجانده باشد، پس باید نسخه‌هایی از متن در دسترس باشد که فاقد این بخش باشد، حال آنکه چنین نیست. از طرفی بحث کاملاً در سیاق خود قرار دارد و هیچ نحوه دست‌اندازی در متن برای الحاق بخشی ناهمگون دیده نمی‌شود. برعکس، این امر که ذکر هراس از مرگ در درمان‌های اخلاقی پیش از مسکویه در الطب الروحانی رازی در سنت نگارش‌های اخلاقی فلسفی قرار گرفته بود (رازی، ۱۹۷۸م)، زمینه را برای آوردن چنین فصلی هموار

می‌کرد؛ ۴. در این متن ارجاعاتی درونی وجود دارد که به بخش‌های پیشین و پسین کتاب تهذیب *الأخلاق* اشاره کرده است. ک: مسکویه، ۲۰۱۱م، ص ۴۲۹). در نسخه‌های منسوب به ابن سینا، ناسخان، این ارجاعات درونی را یا حذف کرده یا به نحوی تغییر داده‌اند که ارجاعی کلی و نه ناظر به اثری خاص به نظر آید؛ ۵. چنانچه پیشتر ذکر شد، نگاه موجود در عبارات این رساله و سبک عبارت‌پردازی و نگارش آن، با نگاه ابن سینا و سبک و سیاق او تفاوت دارد.

با بیانات پیش‌گفته به نظر ما آشکار و روشن است که این متن ابتدا به قلم مسکویه در تهذیب *الأخلاق* نگاشته شده ولی بعدها پس از تقطیع، به ابن سینا نسبت داده شده است. در مسیر این انتساب، دو احتمال به ذهن می‌رسد: ۱. ناسخان، این بخش شایان توجه رساله را جداگانه استنساخ و به‌طور مستقل به نام ابوعلی مسکویه ثبت کرده باشند. اینکه بخشی از یک کتاب تقطیع شود و جداگانه، به‌ویژه در مجموعه‌ها و جنگ‌های خطی آورده شود، بسیار متداول بوده است و در فهرست آثار ابوعلی سینا نیز ده‌ها مورد از اینگونه آثار وجود دارند. در کتاب *تاریخ نگارش‌های عربی*، رساله *فی دفع الغم من الموت* به نام مسکویه ثبت شده و چندین دست‌نویس از آن در کتابخانه‌های سراسر جهان نام برده شده است (سزگین، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۷۳). با توجه به اینکه فؤاد سزگین هیچ توضیحی در باره انتساب نادرست رساله به بوعلی نداده، احتمال می‌رود نسخ یادشده به نام مسکویه ثبت شده باشد. تا آنجا که به دست‌نویس‌های موجود در ایران مربوط می‌شود فهرستگان نسخ خطی ایران از این سخن می‌گویند که این رساله هم به ابن سینا و هم به مسکویه و هم به بابا افضل نسبت داده شده است. با توجه به مطلب پیش‌گفته دکتر مهدوی، نگارندگان فهرستگان به‌درستی این رساله را ذیل نام مسکویه ثبت کرده‌اند، هرچند به اشتباه نام وی را ابن مسکویه درج کرده و به اشتباه زادروز او را به سال ۳۲۰ هـ پنداشته‌اند (درایتی، ۱۳۹۴، ج ۱۴، ص ۷۰۹-۷۰۷). برخی دیگر نیز این رساله را بدون هیچ توضیحی به مسکویه نسبت داده‌اند (خفاف، ۱۴۲۰ هـ: متقی، ۱۳۸۴). در هر صورت، وجود رساله‌هایی به نام مسکویه این احتمال نخست را تقویت می‌کند که در ابتدا تقطیع متن به نام مسکویه صورت پذیرفته باشد و سپس با توجه به تشابه کنیه این دو (هر دو / بوعلی) در دست‌نویس‌های متأخرتر به بوعلی سینا نسبت داده شده باشد. دلیل حذف ارجاعات درون‌متنی نیز می‌تواند بی‌نیاز شدن از آن در رساله‌ای مستقل، یا تحیر کاتبان بعدی از چنین عبارات نامفهوم‌ی بوده باشد.

در احتمال دیگر می‌توان از این سخن گفت که ناسخان از ابتدا اثر را تقطیع کرده و با توجه به شهرت بیشتر بوعلی سینا به او نسبت داده‌اند. بدیهی است که کتابی که به نام دانشمندی مشهورتر منتشر شود می‌تواند بازار فروش بهتر و قیمت بالاتری را به خود اختصاص دهد. همین امر باعث شده است که آثار زیادی به دانشمندان پرآوازه‌ای چون افلاطون و ارسطو، رازی و بوعلی سینا، غزالی و

ابن عربی نسبت داده شود و یکی از کارهای متن پژوهان دربارهٔ آثار ایشان این است که دربارهٔ صحت انتساب آثار به این دانشمندان تحقیق و پژوهش کنند. به این موضوع بیفزایید که رسالهٔ نامبرده در موضوعی مرزی میان فلسفه و پزشکی است و وجه پزشکی بوعلی سینا به مراتب از مسکویه که صرفاً دو سه رساله کوتاه طبی به وی منسوب است (سزگین، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۱۳)، پررنگ تر است. شاید این انگیزه‌ها باعث شده باشد تا در سده‌های پیشین عده‌ای از ناسخان و کتابفروشان به تقطیع مطلب مسکویه و انتشار آن به نام ابن سینا دست زده باشند.

نتیجه گیری

رسالهٔ دفع الغم من الموت که با نام طولانی تر الشفاء من خوف الموت و معالجه داء الاغتمام نیز یاد شده و از دیرباز به نام بوعلی سینا شناخته شده، از آن وی نیست. در این نگاشته با نشان دادن ناهمسانی محتوایی و نگارشی متن با سبک اندیشه‌ورزی و نوشتاری بوعلی سینا از یکسو و مطالعات متن‌شناختی از سوی دیگر، این نتیجه به دست آمد که انتساب متن به بوعلی سینا ممکن نیست. در مطالعات متن‌شناختی نشان داده شده که این متن برگرفته از فصلی از کتاب تهذیب الأخلاق مسکویه است که ناسخان آن را تقطیع کرده و به سهو یا به عمد به بوعلی سینا نسبت داده‌اند. سپس ادله‌ای که ناسخان را بر آن داشت تا رساله را به بوعلی سینا نسبت دهند، بررسی شد و این احتمال که ناسخان به خاطر تشابه در کنیهٔ این دو سهواً رساله را به نام دیگری ثبت کرده باشند، با قوت بیشتری، در کنار احتمال انتشار اثر به نام ابن سینا به خاطر شهرت بیشتر وی و امکان فروش بیشتر اثر، بررسی شد. از آنجا که آثار و پژوهش‌های زیادی دربارهٔ اندیشه بوعلی سینا در زمینه هراس از مرگ بر اساس این رساله نگاشته شده، شایسته است با روشن شدن این اشتباه تاریخی این بخش از تاریخ فلسفه و پزشکی دورهٔ اسلامی بازنگری شود.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۳)، *رسائل ابن سینا*، قم، بیدار.
- _____ (۱۹۵۳م)، *رسائل ابن سینا*، تصحیح حلمی ضیاء اولکن، استانبول، دانشکده ادبیات استانبول.
- _____ (۱۸۹۴م)، *رسائل الشیخ الرئیس اَبی‌علی‌الحسین بن عبدالله بن سینا فی أسرار الحکمه المشرقیه*، تصحیح میکائیل یحیی مهران، لیدن، مطبع بریل.

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۲۰۰۵م)، *القانون فی الطب*، بیروت، دار إحياء التراث العربی. _____ (۱۳۷۱)، *المباحثات*، تصحیح محسن بیدارفر، قم، بیدار.
- آذرشب، فرشته (۱۳۸۳)، «ابوعلی مسکویه - زندگی و آثار»، *کیهان فرهنگی*، تهران، دوره ۲۱۴، شماره ۲۱، ص ۳۸-۴۱.
- آزادی، محمود؛ کلانتر کوشه، سیدمحمد (۱۳۹۵)، «اضطراب مرگ از دیدگاه ابن سینا و الیس: رهیافتی مقایسه‌ای - التقاطی»، *اندیشه نوین دینی*، دوره ۱۲، شماره ۴۷، ص ۵۹-۷۲.
- اسعدی، علیرضا (۱۳۹۵)، «ملاصدرا و مسئله مرگ»، *نقد و نظر*، دوره ۲۱، شماره ۸۱، ص ۹۲-۱۲۳.
- افلاطون (۱۹۹۴م)، *أفلاطون - المحاورات الكاملة*، ترجمه شوقی داود تمرز، بیروت، الأهلئة للنشر والتوزیع.
- _____ (۱۳۶۶)، *دوره آثار افلاطون*، ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، تهران، خوارزمی.
- _____ (۲۰۰۱م)، *محاورات أفلاطون*، ترجمه زکی نجیب محمود، قاهره، الهیئة المصریة العامة للكتاب.
- اکبری، رضا (۱۳۸۸)، «تصویر زندگی پس از مرگ در فلسفه ابن سینا»، *فلسفه و کلام اسلامی*، دوره ۴۲، شماره ۱، ص ۱۱-۲۸.
- آل بویه، علیرضا؛ گودرزی، مریم (۱۳۹۶)، «سقط جنین و استدلال آغاز فعالیت مغز»، *نقد و نظر*، دوره ۲۲، شماره ۸۷، ص ۶۳-۸۳.
- امید، مسعود (۱۳۹۲)، «تخفیف و تسکین هراس از مرگ»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، دوره ۸، شماره ۹، ص ۲۹-۳۴.
- بندر، عقیل (۱۴۲۹هـ)، «القضاء والقدر: دراسة مقارنة بين الفلسفة وعلم الکلام الإمامی، المنهاج، شماره ۵۱، ص ۱۶۷-۱۸۳.
- پایروند ثابت، فریبا (۱۳۸۸)، «ابوعلی مسکویه»، *کتاب ماه علوم و فنون*، دوره ۳، شماره ۳۲، ص ۸۱-۸۷.
- جهانبخش، جويا (۱۳۹۷)، «اخلاق ناصری در کهن‌جامه‌ای تازی؛ یادداشتی با شادمانگی انتشار کتابی ارزنده»، *آینه پژوهش*، دوره ۲۹، شماره ۶، ص ۸۷-۱۰۰.
- حاجی منفردنژاد، مهدیه؛ حیدری، مجتبی (۱۳۹۳)، «مرگ از دیدگاه طب سنتی ایران با تأکید بر آثار علامه قطب‌الدین شیرازی»، *تاریخ پزشکی*، دوره ۶، شماره ۱۹، ص ۱۶۷-۱۸۴.
- حسینی، سید عباس (۱۴۱۴هـ)، «الجزور الفلسفیة للفکر المثالی»، *التوحید*، شماره ۶۷، ص ۱۷۱-۱۸۲.

حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۷هـ)، *معاد شناسی*، مشهد، علامه طباطبائی.
حقیقی، آیت‌الله؛ زمانی، مهدی؛ صادقی، افلاطون؛ مؤمنی، ناصر (۱۳۹۷)، «جستجوی معنای زندگی در اندیشهٔ ابن سینا و ابن عربی دربارهٔ مرگ و معاد»، *الهیات تطبیقی*، دوره ۹، شماره ۲۰، ص ۱-۱۴.
حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۷)، «معاد جسمانی در حکمت متعالیه»، *خردنامه صبرا*، شماره ۱۴، ص ۵-۱۰.
خفاف، حامد (۱۴۲۰هـ)، «مسکویه و منهجه فی الکتابه التاریخیه»، *المنهاج*، شماره ۱۶، ص ۱۲۷-۱۵۲.
رحیمیان، سعید (۱۳۸۸)، «ترجمه و شرح رساله رهایی از هراس مرگ ابن سینا»، *چکیده عقل ناب: مقالات و گفتگوهایی درباره ابن سینا*، به اهتمام مسعود رضوی، همدان، بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا.
دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۳۹)، *نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۷، شماره ۸، ص ۵۲۶-۵۲۷.
درایتی (۱۳۹۴)، *فهرستگان نسخ خطی ایران*، تهران، کتابخانه ملی ایران.
دیانی، محمود (۱۳۹۶)، «شیوه‌های معالجه مرگ‌هراسی در فلسفه اسلامی با تأکید بر آراء ابن سینا»، [دانشگاهی].

۴۵۵۹۴ <https://rms.umz.ac.ir/~dayyani/ViewResearch.aspx?ResearcherID=>

رازی، محمد بن زکریا (۱۹۷۸م)، *الطب الروحانی*، قاهره، مکتبه النهضه المصریه.
_____ (۱۴۰۸هـ)، *المنصوری فی الطب*، تصحیح حازم بکری صدیقی، قاهره، المنظمه العربیه للتربیه والثقافه و العلوم، معهد المخطوطات العربیه.
رحیم‌پور، فروغ‌السادات؛ زارع، فاطمه (۱۳۹۲)، «فرجام نفوس انسانی پس از مرگ بدن در اندیشه ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا»، *انسان پژوهی دینی*، دوره ۱۰، شماره ۲۹، ص ۱۰۹-۱۳۴.
زینالی، پوران (۱۳۸۹)، «رساله در ترس از مرگ، از ابو علی مسکویه»، *گزارش میراث*، دوره دوم، شماره ۳۹، ص ۲۲-۲۷.
سزگین، فؤاد (۱۳۸۰)، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ترجمه کیکوس جهاننداری، سرویراستاری احمدرضا رحیمی ریس، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
سلمان‌پور، حمزه؛ عباسی، مهدی؛ عیسی‌زادگان، علی؛ قاسم‌زاده علی‌شاهی، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «رابطهٔ سوگیری مذهبی و صفات شخصیتی با وسواس مرگ»، *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، دوره ۷، شماره ۲۶، ص ۶۵-۸۸.
سلیمانی، فاطمه (۱۳۸۷)، «ترس از مرگ با تکیه بر دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا»، *حکمت سینوی*، دوره ۱۲، شماره ۴۰، ص ۷۵-۱۰۱.

- شایان فر، شهناز؛ مقدم للکلو، زهرا (۱۳۹۴)، «تبیین وجودی مرگ از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا»، پژوهش‌های هستی‌شناختی، دوره ۴، شماره ۸، ص ۳۹-۵۶.
- شجاری، مرتضی (۱۳۹۰)، «سعادت و رابطه آن با معرفت و عبادت از دیدگاه ابن سینا»، پژوهش‌های فلسفی، دوره ۵، شماره ۸، ص ۵۹-۹۱.
- شه‌گلی، احمد (۱۳۹۱)، «علت مرگ از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا»، آینه معرفت، دوره ۱۰، شماره ۳۱، ص ۹۵-۱۱۸.
- شیخو، لوئیس (۱۹۰۸م)، «رسالة فی الخوف من الموت و حقیقتة و حال النفس بعده لأحد فلاسفة المسلمین»، مجلد المشرق، شماره ۱۱، ص ۸۳۹-۸۴۴.
- صادقی، مسعود (۱۳۸۷)، «صورت‌بندی فلسفی مسئله مرگ»، رهنمون، شماره ۲۷-۲۸، ص ۱۸-۵.
- طوسی، نصیرالدین محمد (۱۳۵۶)، اخلاق ناصری، به کوشش مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی.
- عارفی، محمد اسحاق (۱۳۸۴)، «مرگ و بقای نفس: نقد و بررسی دیدگاه ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا»، الهیات و حقوق، سال ۵، شماره ۵، شماره پیاپی ۱۸، ص ۵۱-۷۲.
- علایی رحمانی، فاطمه؛ حسن‌زاده، مهری (۱۳۹۲)، «واکاوی مفهوم ترس با تکیه بر نوع ضد ارزشی آن در قرآن»، معرفت/اخلاقی، دوره ۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۳، ص ۵۵-۷۴.
- عیسی‌زادگان، علی؛ سلمان‌پور، حمزه؛ قاسم‌زاده، ابولقاسم (۱۳۹۱)، «رابطه صفات شخصیتی، جهت‌گیری مذهبی و وسواس مرگ: آزمون یک الگوی علی»، روان‌شناسی و دین، دوره ۵، شماره ۲، ص ۶۷-۸۲.
- غلامی، طاهره (۱۳۹۶)، «معاد از دیدگاه ابن سینا»، سفر، دوره ۳، شماره ۵، ص ۷-۲۱.
- فرامرزی قراملکی، احد؛ همتی، حیدر (۱۳۸۷)، «چیستی و انواع مرگ از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا»، رهنمون، شماره ۲۷-۲۸، ص ۱۹-۴۰.
- قنواتی، جورج شحاته (۱۹۵۰م)، مؤلفات ابن سینا، قاهره، دارالمعارف.
- کاشفی، محمد رضا (۱۳۹۰)، «کلام و عقاید: حقیقت مرگ»، مکاتبه و اندیشه، شماره ۳۹، ص ۱۲۳-۱۳۸.
- کدیور، محسن (۱۳۷۱)، «فهرست آثار ابن سینا»، معارف، دوره ۹، شماره ۲۶، ص ۷۸-۱۱۰.
- کمپانی زارع، مهدی؛ پنج‌تنی، منیره (۱۳۹۲)، «دفتر ماه: مرگ اندیشی و مرگ آگاهی»، اطلاعات حکمت و معرفت، سال ۸، شماره ۹، ص ۶-۱۰.

گیلانی، نظام‌الدین احمد (۱۳۸۶)، «گنجینه مخطوطات: رساله منافع موت»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، تصحیح آزاده کرباسیان و محمد کریمی، دوره ۲، شماره ۱۰، ص ۵۸-۶۰.
متقی، حسین (۱۳۸۴)، «بازنگاری فهرست نسخه‌های خطی»، *میراث شهاب*، دوره ۱۱، شماره ۳، ص ۱۰۳-۱۶۲.

محمد، یحیی (۱۴۲۵هـ)، «حقیقه المعاد فی الفكر الفلسفی العرفانی»، *المنهاج*، دوره ۹، شماره ۳۵، ص ۹-۶۴.
مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۸۲)، «سفرنامه ابوظبی»، *میراث شهاب*، دوره ۹، شماره ۳۳، ص ۱۵۹-۱۶۸.
مسکویه، ابوعلی (۱۹۶۶م)، *تهذیب الأخلاق*، تصحیح قسطنطین زریق، بیروت، الجامعة الأمريكية (AUB).
_____ (۲۰۱۱م)، *تهذیب الأخلاق وتطهیر الأعراق*، تصحیح عماد الهملالی، بغداد - بیروت، منشورات الجمل.

منصف، اسماعیل؛ ضمیری، محمدرضا؛ بطحایی، سیدحسن؛ اژدر، علی‌رضا (۱۳۹۵)، «تحلیل و بررسی شقاوت حقیقی از منظر ابن سینا»، *آیین حکمت*، دوره ۸، شماره ۲۷، ص ۱۷۳-۱۹۹.

موسوی، میرمحمود (۱۳۷۹)، «نسخه‌های خطی ابن سینا»، *میراث شهاب*، دوره ۶، شماره ۱۹، ص ۸۷-۹۹.
موقر، مجید (۱۳۳۲)، «از گفتار ایپیک تتوس: ترس از مرگ»، *مهر*، دوره ۹، شماره ۶، ص ۲۵۹-۲۶۰.
مهدوی، یحیی (۱۳۳۳)، *فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا*، تهران، دانشگاه تهران.
نجم‌آبادی، محمود (۱۳۵۲)، «مؤلفات و مصنفات طبی ابن سینا (دنباله مقاله اول)»، *هنر و مردم*، شماره ۱۲۸، ص ۸-۱۴.

یثربی، سید یحیی (۱۳۸۰)، «مرگ و مرگ‌اندیشی»، *قبسات*، دوره ۶، شماره ۱۹، ص ۱۱۱-۱۲۵.

Azadpur, Mohammad. (2020), *Analytic Philosophy and Avicenna: Knowing the Unknown*, London, England: Routledge.

Carus, Titus Lucretius. (1994), *On the Nature of the Universe*, London, England: Penguin Books.

DeGrazia, David. (2017). The Definition of Death. In E. N. Zalta (ed.), (E. N. Zalta, ed.), *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Spring 2017). Metaphysics Research, Stanford, USA: Stanford University.

Edwards, Paul. (1967). *The Encyclopedia of Philosophy*. New York City, United States: Macmillan.

Irannejad, Shahrzad. (2016), Theorization of Death in Avicenna's Canon of Medicine. Presented at the Interdisziplinärer Arbeitskreis "Alte Medizin", Johannes Gutenberg-Universität Mainz.

- Lameer, Joep. (2015). *The Arabic Version of Ṭūsī's Nasirean Ethics: With an Introduction and Explanatory Notes*. Leiden, Netherlands: Brill.
- Luper, Steven. (2019). Death. In E. N. Zalta (ed.), (E. N. Zalta, ed.), *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2019). Metaphysics Research, Stanford, USA: Stanford University.
- May, Todd. (2009). *Death* (1 edition). London, England: Routledge.
- Motto, Anna Lydia. (1955). Seneca on Death and Immortality 50(4 (Jan.), p.187-189
- Nietmann, William D. (1966), Seneca on Death: The Courage To Be or Not To Be. *International Philosophical Quarterly*, p.81-89.
- Russell Noyes Jr. (1973), Seneca on Death, *Journal of Religion and Health*, 12, p.223-240
- Stephens, W. O. (2014), Epictetus on Fearing Death: Bugbear and Open Door Policy, *Ancient Philosophy*, p.365-391.